

حافظان محیط زیست هم به چالش انتشار فیش های حقوقی پیوستند

محیط بان با ۲۳ سال سابقه کار؛ حقوق ۸۴۰ هزار تومان

صدرا محقق



محیط بانان منطقه حفاظت شده دنا، عکس: شایسته

سیصدهزارتومان است، البته در دولت جدید خیلی از بچه ها را پیمانی کرده‌اند و حقوق‌ها خیلی بهتر شده است ولی هنوز نسبت به همه‌جا حقوق ما از همه پایین‌تر است.»

نجفعلی رجب‌زاده، محیط‌بان و مسئول پارک ملی دنا و محیط زیست شهرستان دنا، هم دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «من ۱۷ سال و چهار ماه سابقه کار دارم و لیسانس محیط زیست دارم که هنوز لیسانسم در حکم نیامده است و با فوق‌دیپلم مشغول به کارم، در جدیدترین حکم یک‌میلیون و ۸۸۰ هزار تومان حقوق آمده است که دریافتی من با احتساب کسورات، بیمه ... یک میلیون و سیصد تومان می‌شود. دریافتی من در سال ۹۱ و قبل از دولت یازدهم ۸۲۰ هزارتومان در حکم بود، البته این میزان حقوق برای همکارانی است که رسمی هستند و اما همکارانی داریم که طرحی یعنی قراردادی هستند؛ حقوق این تعداد از همکاران ما همه زیر یک میلیون تومان است. ما الان ۱۷ محیط‌بان طرحی در منطقه حفاظت شده دنا داریم که دریافتی‌شان بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان است که البته این میزان حقوق سال ۹۴ است و در سال جدید هنوز حقوق نگرفته‌اند. به‌عنوان مثال ما اینجا همکاری داریم به اسم آقای آیت‌الله روستا با ۲۳ سال سابقه و ۶۳ سال سن، که از محیط‌بانان بسیار باتجربه منطقه دنا است و هیچ مشکلی درکارش نیست، آخرین حقوق دریافتی‌اش که اسفند ۹۴ بود، ۸۴۰ هزارتومان بود.

وضعیت کاری و حقوقی‌اش است: «من حدود ۱۳ سال سابقه کار دارم، شرایط کاری ما خیلی سخت است، به مدت کار اداری که باید سر کار باشیم، کشیک‌های شب یا ماموریت را هم باید اضافه کنیم، پنجشنبه و جمعه‌ها هم گاهی در ماموریت و کشیک هستیم که ماموریت‌ها کامل حساب نمی‌شود، یعنی

اگر محیط‌بانی در ماه ۱۸ روز ماموریت برود، در بیشترین حالت هشت روز آن برایش حساب می‌شود. من تا سال ۹۱ حقوقم ۹۰۰ هزار تومان بود، بعد از آمدن دولت جدید و خانم ابتکار حقوق ما بیشتر شد، اردیبهشت من یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار تومان حقوق گرفتم»، محیط‌بان جلالی دو بچه دارد و به گفته خودش از یازدهم ماه به آن طرف با قرض گرفتن زندگی‌اش را می‌گذراند، او مدت‌هاست دنبال قضیه

درست کردن مسئله جانبازی‌اش است؛ با وجود ۹۶ ساچمه‌ای که به بدنش اصابت کرده، با کلی دوندگی، اعتراض و پیگیری ۲۰ درصد جانبازی برایش ثبت کرده‌اند.

محیط‌بان دیگر محمد تقی‌پور، محیط‌بان پارک ملی بوجاق کیلان است، او هم دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «من ۱۲ سال سابقه کار دارم و مدرک تحصیلی‌ام فوق لیسانس رشته محیط زیست و لیسانس منابع طبیعی و جنگل است، حقوق دریافتی‌ام در همین اردیبهشت یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بود، متوسط حقوق بچه‌های محیط‌بان یک میلیون تا یک‌میلیون و دوپست تا

»فیش‌های نجومی را در سازمان حفاظت محیط زیست، بازنشر کنید تا جلوی این ریخت‌وپاش‌ها گرفته شود». این توییت کتابه‌آمیز کوتاه را روز گذشته یکی از خبرنگاران محیط زیستی در توییت‌رش منتشر کرد، به انضمام عکسی از فیش حقوقی یک محیط‌بان که خالص دریافتی‌اش در اردیبهشت ۹۴ برابر با ۷۸۳ هزار و ۳۱۰ تومان بود. این روزها که از در و دیوار رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فیش‌های حقوقی با دریافتی‌های چند ده میلیونی و چند صدمیلیونی می‌بارد، انتشار این فیش حقوقی محقر هم مقداری توجه را به خود جلب کرد. آنچه در این فیش حقوقی آمده است، با کمی بالا و پایین تقریبا وضعیت حقوقی همه محیط‌بانان کشور است. محیط‌بانانی که در بهترین حالت و با بالاترین سابقه کار، درنهایت رقمی در حدود یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دریافتی خالص‌شان است.

محیط‌بانانی که در ماه بین ۱۸ تا ۱۸ روز را در مناطق حفاظت‌شده می‌گذرانند و در بسیاری مواقع در رویارویی با شکارچیان غیرمجاز، با خطر درگیری، زخمی‌شدن و مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. آن سوی قصه این درگیرها هم مرزهای تلخ دارد، اسفند گذشته بود که دو محیط‌بان منطقه حفاظت شده دنا، یکی بعد از هشت سال و دیگری بعد از گذراندن هفت سال ریت‌ریغ اعدام‌بودن در زندان، با پیگیری‌های خیرانی از سراسر ایران و جهان با پرداخت دیه‌های میلیاردی آزاد شدند. جرم‌شان قتل دو شکارچی غیرمجازی بود که برای شکار حیات وحش به منطقه حفاظت‌شده، آمده بودند و به روی محیط‌بانان اسلحه کشیدند. محیط‌بانانی که حفاظت‌شان از طبیعت را از هر سمتی نگاه کنیم، پر از مشقت و سختی است؛ دوری از خانواده، کار در شرایط سخت، احتمال درگیری با شکارچیان، خطر مرگ و آسیب دیدگی، خطر زندان و اعدام در صورت از پادرآوردن شکارچیان و... حالا همه اینها را بگذارد کنار دست حقوق‌های بسیار اندک‌شان.

در این گزارش به سراغ تعدادی از محیط‌بانان کشور در چهارگوشه ایران رفته‌ایم تا از خودشان درباره وضعیت حقوق‌های دریافتی‌شان در ماه‌های اخیر بپرسیم. اینکه چقدر سابقه کار دارند، تحصیلات‌شان چیست و در آخرین فیش حقوقی‌شان چه مبلغی درج شده است. یکی از این محیط‌بانان هادی جلالی، محیط‌بان منطقه حفاظت‌شده شادگان در استان خوزستان است که دو سال پیش به‌عنوان محیط‌بان نمونه کشور انتخاب شد؛ محیط‌بانی که در درگیری با شکارچیان غیرمجاز از ۹۶ ساچمه به بدنش اصابت کرد و هنوز هم بیشتر از ۸۰ ساچمه سربی در بدنش جابخوش کرده است. این توضیحات جلالی از

سمانه رحمتی‌فر:اگر کمرسته باشیم به خارج‌نکردن ارز از کشور، به مقصد دوبی و ترکیه و اگر عزم کرده باشیم کم تعطیلات را در کنج منزل نماییم. ایران کم مقاصد غافلگیرکننده برای گردشگری ندارد. جاذبه‌های تاریخی کشور که برای خارجی‌ها هم جذاب است، به جای خود... این‌قدر جاذبه طبیعی داریم که دو، سه روز تعطیل را برایمان تاریخی کند. از شن‌های گرم‌خور و بیابنک و مرنجاب تا ژئوپارک قشم و آبشارهای گرکان و لرستان تا ییلاق‌های تالش و... از جمله این دبدبی‌ها که از جهاتی در دنیا یگانه است، حوضچه طبقاتی باداب سورت در استان مازندران است.

باداب سورت چشمه پلکانی بی‌نظیر در ایران و کم‌نظیر در جهان است که در روستای ارست بخش چهاردانگه شهرستان ساری واقع است. این چشمه را سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۷ پس از کوه دماوند به‌عنوان دومین میراث طبیعی ایران در فهرست آثار ملی ایران ثبت کرد. این باداب شامل چندین چشمه با آب‌های کاملا متفاوت از لحاظ رنگ، بو، مزه و حجم آب است. چشمه پرآب آن دارای آب بسیار شور و استخری با قطر حدود ۱۵ متر و عمق زیاد است. چمنه دوم که در بالادست و



نگاه

گردوغبارها تا پایان تابستان میهمان کشور

● **ایسنا:** معاون توسعه و پیش‌بینی سازمان هواشناسی کشور گفت: تولید و انتقال گردوغبار به کشور تا پایان تابستان تداوم می‌یابد. علی‌عابدینی با اشاره به اینکه کانون‌های گردوغبار در کشورهای اردن، سوریه و عراق باعث وضعیت کنونی کشور شده است، گفت: تولید گردوغبار و انتقال آن به کشور ما در فصول گرم سال و معمولا از اردیبهشت تا پایان تابستان به علت خشک‌شدن سطح زمین و بادهای شمالی تداوم دارد و در مهرماه رو به کاهش خواهد رفت. وی اظهار کرد: توده‌های گردوغبار در این مقطع زمانی، استان‌هایی مثل بوشهر، خوزستان، ایلام، کردستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و تا حدی استان‌های لرستان، چهارمحال‌وبختیاری، فارس و کهگیلویه‌وبوییراحمد و حتی برخی اوقات تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ادامه از صفحه ۱۶

تکلیف اساسی دولت یازدهم برای منابع طبیعی ایران

وقتی با وجود فریاد رسای کارشناسان در مخالفت با طرح کنایه حفظ کاربری اراضی کشاورزی که نوعی ترویج زمین‌خواری و تهدیدی جدی برای منابع طبیعی قلمداد می‌شود اما معاونت امور اراضی وزارت جهاد کشاورزی با اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس نهم برای تدوین و تصویب چنین طرحی خنمان برانداز همدستی می‌کند بنابراین نمی‌توان و نباید به مدیریت منابع طبیعی ذیل بخش کشاورزی اعتماد کرد و به آن اعتبار بخشید. مخاطرات مدیریت سازمان جنگل‌ها ذیل وزارت جهاد کشاورزی به حدی رعب‌آور و تهدیدکننده است که هشت تیر سال ۹۴ بیش از یک‌صد نفر از استادان دانشکده‌های منابع طبیعی دانشگاه‌های سراسر کشور در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی خواهان تشکیل «وزارت منابع طبیعی و محیط‌زیست» شده بودند و مجدداً نیز ۲۳ اردیبهشت سال جاری ۱۴۲ نفر از استادان دانشگاه در نامه‌ای سرگشاده خطاب به علی لاریجانی، جداسازی سازمان جنگل‌ها از ذیل وزارت جهاد کشاورزی را خواستار شدند. کارشناسان امیدوارند این اتفاق تاریخی در سال اول اجرای برنامه ششم توسعه محقق شود و البته تحقق این اقدام فرخنده تا پایان سال ۹۵، می‌تواند ادعای محیط‌زیستی بودن دولت روحانی را نیز تصدیق کند. چهار آلت‌رناتیو نیز برای ساختار سازمانی جدید دستگاه متولی منابع طبیعی ایران پیشنهاد می‌شود که هریک از این الگوها ملاحظاتاتی را در پی دارد؛ استادان برجسته علم سیاست و مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست بر این عقیده‌اند که الگوی مناسب، ادغام سازمان جنگل‌ها، مراتع و آب‌خیزداری با سازمان حفاظت محیط‌زیست و تشکیل «وزارت منابع طبیعی و محیط‌زیست» است؛ در تبیین درستی این الگو همین بس که در هیچ‌کجای دنیا

مشاهده نمی‌شود دو فرد هم‌زمان به عنوان مأمور دولت در طبیعت حضور پیدا کنند ولی یکی فقط مسئولیت حفاظت از حیات وحش را بر عهده داشته باشد و دیگری صرفاً از عرصه و پوشش گیاهی محافظت کند! دقیقاً برخلاف آن چیزی که در ایران شاهدش هستیم به‌نحوی که برای جنگلیانان و محیط‌بانان در ایران مسئولیت و تکالیف جداگانه‌ای نسبت به هم تعریف شده است؛ اما برخی دیگر از کارشناسان بدون توجه به تجربه جهانی، با تفکیک وظایف اجرایی و نظارتی دو سازمان مزبور بر این عقیده هستند که نیازی به چنین ادغامی نیست و صرفاً باید «وزارت منابع طبیعی» مانند نیمه دوم دهه ۴۰ خورشیدی تشکیل شود و سازمان حفاظت محیط زیست نیز با همان وظایف نظارتی که دارد همچنان در قالب ساختار فعلی خود باقی بماند. البته با توجه به اینکه دولت فعلی مانند دولت اصلاحات، به‌دلیل سیاست کوچک‌سازی بدنه دولت تمایل چندانی برای تشکیل وزارتخانه جدید از خود نشان نمی‌دهد و از طرفی به دلیل ساختار غیر حزبی نظام پارلمانی در ایران که غالباً مطالبات منطقه‌ای از سوی نمایندگان مجلس، بر رویکرد ملی آنان غلبه دارد و در صورت تشکیل وزارتخانه، با اهرم استیضاح وزیر، بر وزارتخانه‌ای مسلط می‌شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد تشکیل ساختار جدید سازمانی در قامت معاونت ریاست جمهوری سهل‌الوصول‌تر باشد. به نحوی که دو سازمان مزبور با هم ادغام و با عنوان جدید «سازمان حفاظت محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور» ذیل معاونت ریاست‌جمهوری مدیریت شود یا اینکه «سازمان منابع طبیعی» در کنار «سازمان حفاظت محیط‌زیست» معاونت‌های دوگانه رئیس‌جمهور در حوزه منابع طبیعی و محیط‌زیست را تشکیل دهند و درواقع بستری‌ها لازم برای تشکیل وزارتخانه در آینده تأمین شود. مسلماً تحقق هریک از این چهار آلت‌رناتیو با هدف جداسدن از بخش کشاورزی، گامی رو به جلو خواهد بود. رئیس‌جمهور روحانی کمتر از یک‌سال فرصت دارد با جداسازی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آب‌خیزداری کشور از وزارت جهاد کشاورزی و تحقق هریک از این آلت‌رناتیوها، تکلیف اساسی خود را در ارتباط با منابع طبیعی عملی و دین خود را به طبیعت ایران ادا کند.

خبر

۶۵ درصد دانشجویان به آینده خود خوش بین نیستند

● **شرق:** معاون دانشجویان داخل سازمان امور دانشجویان وزارت علوم گفت: ۶۵ درصد دانشجویان به آینده خود خوش‌بین نیستند و البته این مسئله در دانشجویان سال اول نسبت به دانشجویان سال آخر کمتر است. سید ابوالحسن ریاضی، معاون دانشجویان داخل سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، در شصت‌ودومین جلسه ساماندهی امور جوانان در جمع خبرنگاران اظهار کرد: پیمایشی بین ۷۱ دانشگاه دولتی در دفتر مشاوره و سلامت سازمان امور دانشجویان انجام شد که موج اول گزارش این پیمایش در سال گذشته بود. امسال نیز در سطح گسترده‌تری این شناسایی سیمای زندگی دانشجویان در وزارت علوم انجام شد. وی با بیان اینکه در پیمایش انجام‌شده، سؤالاتی از میزان خواب، فعالیت‌های جسمی، مدت‌زمان اوقات فراغت و مواردی مثل مصرف سیگار و قلیان، انگیزه‌های درسی، علاقه‌مندی به رشته و باورهای دینی و همچنین برخی پرسش‌ها درباره خشونت، رفتارهای پرخطر و مصرف مواد مخدر صورت گرفته است، گفت: بالاترین مصرف مواد دخانی در بین دانشجویان مربوط به قلیان بوده و بعد از آن مربوط به سیگار است که با توجه به آسیب‌های جدی این مواد دخانی برنامه‌هایی براساس این گفته‌ها برای کاهش مصرف دخانیات با کمک دانشجویان و گروه‌های همیار سلامت تدوین شده است تا در حد امکان، مصرف را کاهش دهیم. وی با اشاره به اینکه ۱۷ درصد دانشجویان در دانشگاه‌ها قلیان مصرف می‌کنند و ۱۵ درصد از دانشجویان سیگار می‌کشند، افزود: مصرف قلیان و سیگار در بین دانشجویان کشور بالاتر است، اما در دانشجویان دختر براساس ارزیابی‌های سه سال قبل، سرعت رشد مصرف قلیان بالاتر از پسران و نگران‌کننده است. ریاضی با اشاره به اینکه بخشی از سؤالات پیمایش مربوط به علاقه‌مندی دانشجویان به رشته‌های تحصیلی خود بوده است، گفت: خوشبختانه ۷۰ درصد دانشجویان به رشته‌های خود علاقه دارند و تنها ۲۷ درصد به رشته‌های تحصیلی خود علاقه‌مند نیستند. وی ادامه داد: ۶۵ درصد دانشجویان به آینده خود خوش‌بین نیستند و البته این مسئله در دانشجویان سال اول نسبت به دانشجویان سال آخر کمتر است. ریاضی ادامه داد: اطلاعات دانشگاهی نشان می‌دهد: ۲۳ درصد از دانشجویان هیچ ورزشی نمی‌کنند؛ به همین منظور برای سال آینده ایجاد صد اتاق سلامت با همکاری صندوق رفاه را در دستور کار قرار دادیم که فقرهای حرکتی در این بخش را کاهش دهیم.

ادامه از صفحه ۱۶

ادامه از صفحه ۱۶

تاب‌آوری در ایران

۴. آسیب‌پذیری انسانی در سال گذشته، به منظور کاهش خطر بلایا و افزایش تاب‌آوری در حوزه اجتماعی، سندی در زاین به تصویب رسید که برای ۱۵ سال آینده، چشم‌انداز جهان را مشخص می‌کند. پاراگراف نخست آن عبارت است از اینکه در هر کاهش خطری، تمامیت جامعه باید مشارکت داشته باشد. توانمندسازی و روش‌های فراگیر و در دسترس، باید بدون تبعیض، برای مشارکت همه افراد صورت بگیرد. اینها مسائل فرهنگی و اجتماعی هستند.

در سازمان جهانی صلیب سرخ، محورهایی برای افزایش تاب‌آوری وجود دارد. این محورها عبارت‌اند از اینکه هر کاری که انجام می‌دهیم، باید مبتنی بر اطلاعات راجع به خطرات و بلایا باشد؛ به این معنا که اگر کارخانه‌ای می‌سازیم، راهی می‌سازیم، بیمارستان ما از چیز دیگری که می‌سازیم، باید براساس اطلاعات ما از خطرات احتمالی جامعه، همچنین فراگیر و مبتنی بر تقاضا و درخواست مردم باشد؛ یعنی با محوریت مردم و مبتنی بر خواست آنها باشد. درحالی‌که معمولاً حرکت‌ها فردی است و سیستمیک عمل نمی‌شود. شاخص دقیقی که می‌توان براساس آن گفت مدیریت بحران، کاهش خطرات و افزایش تاب‌آوری در یک جامعه موفق بوده یا نه، اندازه‌گیری تغییر رفتارهای فردی و دسته‌جمعی در جامعه است، اعتقادات و باورهای افراد در جامعه و اعتماد آنها اگر تغییر کند، شیوه زندگی آنها نیز تغییر خواهد کرد.

باید در اصطلاحی به نام همبستگی اجتماعی و اصطلاح دیگری به نام پیوستگی اجتماعی تأمل کرد. در ایران و کشورهایمانند آن، همبستگی اجتماعی، خیلی قوی‌ای داریم؛ اما از نظر پیوستگی اجتماعی، در رده بسیار پایینی قرار داریم. یکی از مسائل کلیدی در پیوستگی اجتماعی، بحث اعتماد است. یکی از الزاماتی که برای موفقیت سیستم‌های مدیریت بحران شهری یا کشوری وجود دارد، اعتماد مردم به آن سیستم‌هاست؛ یعنی اگر اتفاقی بیفتد، مردم به سیستم ملی و قدرت پاسخ‌گویی آن اعتماد داشته باشند؛ هرچه این اعتماد بالاتر برود، پیوستگی اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. در حادثه‌ای مانند زلزله مشارکت زیاد است؛ اما در پدیده‌ای چون خشک‌سالی یا آلودگی هوا و تصادف هرگز شاهد چنین همبستگی‌ای نخواهیم بود. این موضوع از منظر اجتماعی باید بررسی شود؛ اما در نهایت باید گفت تاب‌آوری باید در خدمت کاهش خطر باشد یا بالعکس؟



آخرین نفری که باداب سورت را دید

چندین سواری، در حوضچه‌ها با کفش قدم می‌زدند و چندین نفر هم در چشمه اصلی در حال آب‌تتی بودند؛ مسافرانی که انگار از سفر تنها یک هدف داشتند: ویران کردن باداب سورت و تنها یک شعار: «منم آن آخرین نفر که باداب سورت را دید». و البته چند سوغات: سکه تکی و دسته‌جمعی، هرچه بیشتر، هرچه خاص‌تر؛ تورلیدرهایی دیدم که انگار تنها وظیفه‌شان گرفتن عکس دسته‌جمعی لاید برای صفحات وب‌سایت آژانس و تبلیغ سفرهای بعدی بود.

نه متولی‌ای، نه بروشور و دستورالعملی...، تنها یک تابلوی هشدار کوچک که رویش چنین عبارتی نوشته شده بود: «باداب سورت هدیه خداست، در حفظ آن کوشا باشیم» و وقتی به خانه برگشتم و به عکس‌هایم دقیق‌تر نگاه کردم، سنگ‌چین دستی (عکس زیر) را دیدم که لاید منظورش این است که از من به چشمه نزدیک‌تر نشوید...

با کمی جست‌وجو متوجه شدم این سنگ‌چین هم مهر ۹۴ توسط گروهی از نیروهای داوطلب گذاشته شده است.

من نه زیست‌شناسم، نه زمین‌شناس، نه متخصص محیط زیست، ولی تشخیص اینکه اگر

شمال غربی این چشمه قرار دارد، ترش‌مزه و دارای آبی به رنگ قرمز و نارنجی است. در اطراف چشمه کمی رسوب آهن نشسته است. جریان آب‌های رسوبی و معدنی این چشمه‌ها طی سال‌ها، در شب پایین‌دست کوهستانی خود، صدها طبقه و ده‌ها حوضچه پلکانی بسیار زیبا به رنگ‌های نارنجی، زرد و قرمز در اندازه‌های مختلف پدید آورده است. این طبقات و حوضچه‌ها درواقع جاذبه اصلی و ویژگی منحصربه‌فرد چشمه‌های باداب سورت است. زیبایی این طبقات و محل ویژه قرارگیری چشمه در دامنه کوهستان و چشم‌اندازهای اطراف به‌ویژه در غروب تحسین‌برانگیز است.

در سال‌ها اخیر نام باداب سورت را به لطف تبلیغات شرکت‌های مسافرتی زیاد می‌شنویم. چشمه‌های آهکی که به دلیل داشتن ترکیبات آهن و مس و گوگرد، بسته به فصل، به رنگ‌های زرد و نارنجی و آبی و سبز درآمده‌اند. کیست که نخواهد ببیند؟ در تعطیلات چند روز پیش، وقتی قصد سفر به باداب سورت کردم، انتظار دیدن منظره‌ای بدیع را داشتم، ولی وقتی رسیدم، صحنه‌هایی غم‌انگیز دیدم:

انسان‌هایی به اندازه ظرفیت چهار اتوبوس و